



درس اول

کلمات هم معنی	
انتها - آخر، پایان	ثبت نام - نوشتن اسم، نام نویسی
قنادی - شیرینی فروشی	عادت - آنچه بر اثر تکرار رفتار همیشگی می شود.
بازارچه - بازار کوچک	عظمت - بزرگی، شکوه
محله - قسمتی از شهر یا روستا	خاص - ویژه
بوستان - باغ باصفا	فیروزه ای - به رنگ فیروزه
نگران - دلواپس	

کلمات مخالف	
نراحت \neq خوشحال	زیبا \neq زشت
آشنا \neq غریبه	زیاد \neq کم
خارج \neq داخل	قبل \neq بعد
تنگ \neq گناده	گرم \neq سرد
بیرون \neq درون	جدید \neq قدیم

کلمات هم خانواده	
تعداد، عدد، عده	ثبت، ثابت، ثبت نام
عظمت، عظیم، اعظم	نظر، ناظر، نظارت
معرفی، تعریف، معرف	غذا، تغذیه، مغذی
مشکل، اشکال، شکل	مسجد، سجده، سجاده
قبلاً، قبلی، قبل	سلام، سلامت، سالم

۱. آسمان ← ابر - ستاره - مهتاب

۲. الف) درست

ب) نادرست: نام محله‌ای که با آن مسابقه داشتیم بهارستان بود.
پ) نادرست: داستان محله‌ی ما در فصل تابستان اتفاق افتاده بود.
ت) نادرست: محله‌ی جدید قنادی داشت.

۳. خاطرات - اطراف - عادت‌های - محله

۴. خاصی - حواس - عادت - گلدسته

۵. درختان - آقایان - بانوان - خاطرات - حیوانات - جملات - جوراب‌ها - میزها - کتاب‌ها

۶. الف) مادر برای او زود / یک چای تازه آورد

او خسته بود و پایش / انگار درد می‌کرد

ب) دردست پیر او بود / باز آن عصای زیبا

خندید و قلقلک داد / با آن عصا دلم را

۷. به دلخواه دانش آموز

۸. الف) گزینه «۲»

ب) گزینه «۳»

پ) گزینه «۴»

خوانش و پردازش

۱. مردم دسته دسته به سمت ضریح در حرکت بودند.

۲. آن‌ها حالتی معنوی و چهره‌هایی نورانی داشتند. هیچ‌کس به اطرافش توجه نداشت بلکه همه با توجه به ضریح، دست روی سینه گذاشته بودند و زیر لب دعا و مناجاتی را زمزمه می‌کردند.

۳. از حالتی که مردم داشتند.

۴. به دلخواه دانش آموز



کلمات هم معنی	
ماهرانه - استاده، با مهارت	بحث - گفتگو
مربی - کسی که چیزی یاد می‌دهد	جنب و جوش - تلاش
نرم نرمک - آرام آرام، آهسته آهسته	حیرت - شگفتی
مهارت - توانایی انجام کار به نحو شایسته	جلب نظر کردن - جلب توجه کردن

کلمات مخالف	
مناسب \neq نامناسب	آغاز \neq پایان
پیوسته \neq گسسته	علاقه \neq نفرت
ماهرانه \neq ناشیانه	پیشرفت \neq پسرفت
بهترین \neq بدترین	زبر \neq رو

کلمات هم خانواده	

۱. می کند - خواهم رفت - می روم - است - دارد - بود

۲. الف) نادرست: مسجد مکان مذهبی است.

ب) درست

پ) نادرست: بوستان مکان تفریحی است.

۳. بحث - بوستان - نظم و ترتیب - آغاز

۴. صحبت - تصمیم - مخصوص

۵. الف) مدرسه

ب) فرهنگستان زبان

۶. به دلخواه دانش آموز

۷. اقفی: ۱- با ، ۲- هو ، ۳- همشهری ، ۴- توت - بو ، ۵- تو ، ۶- آش

عمودی: ۱- هت ، ۲- مو ، ۳- بهشت - تا ، ۴- ساوه - موش ، ۵- رب ، ۶- یو

۸. به دلخواه دانش آموز

۹. الف) گزینه «۴» - مسجد مکان مذهبی می باشد.

ب) گزینه «۳»

پ) گزینه «۱»

ت) گزینه «۱»

ث) گزینه «۲»

ج) گزینه «۱»

چ) گزینه «۳»

خوانش و پردازش

۱. کتاب می خواند.

۲. مطالعه کردن - چون چیزهای بیشتری یاد می گیرد.

۳. کتاب خواندن

۴. به دلخواه دانش آموز



کلمات هم معنی	
طبیعت - بخشی از جهان هستی	آلودگی - کثیفی
طراوت - شادابی	آشغال - زبله
غرق شدن - غوطه‌ور شدن در چیزی، فرو رفتن و خفه شدن	جوی - گذرگاه باریک آب
گردش علمی - گردش دسته جمعی دانش‌آموزان	چشمه - جایی که آب از زیر زمین بیرون می‌آید
گزارش - شروع و بیان کارهای انجام شده	دلپذیر - پسندیده و خوشایند
گویا - رسا، روشن، آشکار	دامنه‌ی کوه - بخش شیب‌دار پایین کوه
محیط - اطراف هر چیز یا شخص	لذت - حالت خوب و خوشایند
نظارت - تمیزی، پاکیزگی	نشاط - شادی، شادابی
	روان - روانه، جاری

کلمات مخالف	
سالم ≠ خراب، ناسالم	گذشته ≠ آینده
آلودگی ≠ پاکیزگی	گروهی ≠ فردی
کوتاه ≠ بلند	پاکیزه ≠ آلوده
شاد ≠ غمگین	وحشی ≠ اهلی

کلمات هم خانواده	

۱. کودکی با کاغذ قایقی کوچک ساخت.

لحظه‌ای قایق را بر لب ساحل دید.

قایقش را لب رود برد و در آب انداخت.

۲. الف) نادرست: انسان‌ها به زیبایی شهر خود اهمیت می‌دهند.

ب) درست

پ) درست

۳. کوه - عادت - زباله - طبیعت - علمی - دلپذیر - بعضی - گویا

۴. رظان ← ناظر

۵. آشغال = زباله ← جمله به عهده‌ی دانش‌آموز می‌باشد.

۶. الف) بهتر است هر شب قبل از خواب دندان‌هایمان را مسواک بزنیم.

ب) اگر درس بخوانی سوادت بیشتر می‌شود و در آینده موفق‌تر هستی.

پ) بچه‌های بازیگوش باید موقع بازی در خانه مواظب باشند.

۷. دامنه‌ی کوهی - نماینده‌ی گروه - خانه‌ی ما - لانه‌ی خود

بند ← به عهده‌ی دانش‌آموز می‌باشد.

۸. الف) گزینه «۲»

ب) گزینه «۳»

پ) گزینه «۲»

ت) گزینه «۳»

ث) گزینه «۲»

ج) گزینه «۲»

خوانش و پردازش

۱. پاکیزگی

۲. انجام دادن کار خوب

۳. بر عهده دانش‌آموز می‌باشد.

درس چهارم 

کلمات هم معنی	
آرام - آهسته	مواظب - مراقب
باعث - سبب	آسیب - صدمه، ضرر، زیان
صدای گوش خراش - صدای بسیار شدید و آزاردهنده	کنجکاوی - علاقه‌مندی به دانستن
بی‌صبرانه - بدون تحمل	فشفته - نوعی اسباب بازی با باروت که می‌سوزد و نورافشانی می‌کند
آلودگی صوتی - هر صدایی که انسان را آزار می‌دهد	سکوت - خاموشی
کاهش می‌دهد - کم می‌کند	فرصت - وقت
مشورت - هم‌فکری، نظر دیگران را خواستن	منتظر - چشم به راه

کلمات مخالف	
خنده ≠ گریه	بهترین ≠ بدترین
علاقه ≠ تفر	سکوت ≠ سروصدا
نراحت ≠ خوش‌حال	تولید ≠ تخریب
خستگی ≠ سرحالی	آرام ≠ شلوغ، پرسروصدا
خواب ≠ بیدار	موفقیت ≠ شکست
گوش‌خراش ≠ گوش‌نواز	زیان ≠ سود

کلمات هم‌خانواده	

۱. بی صبرانه - بدون تحمل
 آسیب - صدمه و ضرر
 باعث - سبب
 آرام - آهسته

۲. الف) نادرست - برخی وسایل پیشرفته، آرامش را از انسان و سلامتی را از محیط می‌گیرند.
 ب) درست

پ) نادرست: سلامتی محیط زیست در زندگی انسان‌ها تأثیر دارد.

۳. الف) آلودگی صوتی ب) صدای پ) نظم و ترتیب

۴. تفریح - نظم و ترتیب - بی صبرانه

۵. ترقه - ضبط صوت - صحبت - جمله‌سازی به عهده‌ی دانش آموز است

۶. به عهده‌ی دانش آموز می‌باشد.

۷. به عهده‌ی دانش آموز می‌باشد.

۸. الف) گزینه «۱»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۳»

ت) گزینه «۲»

ث) گزینه «۴»

ج) گزینه «۳»

خوانش و پردازش

۱. ضرب‌المثل: آش نخورده و دهان سوخته

۲. پارچه

۳. خجالت

۴. آش



کلمات هم معنی	
دهقان - کشاورز	آشیله - لانه
کشتزار - مزرعه	انتظار - شکبایی، صبر
صحرا - دشت	برزگر - کشاورز
بلدرچین - نام یک پرنده‌ی کوچک	خوشان - جمع خویش، اقوام، نزدیکان
	درو - برداشت یا چیدن گیاهان

کلمات مخالف	
زود ≠ دیر	روزها ≠ شبها
نشسته ≠ ایستاده	تیز ≠ کند
فردا ≠ دیروز	مندن ≠ رفتن
نگرانی ≠ آرامش	خراب ≠ سالم

کلمات هم خانواده	

۱. من می‌خواهم بروم - تو می‌گذاری او می‌برد - ما نوشته‌ایم - آن‌ها می‌خواهند بخورند
۲. الف) نادرست ← آن‌ها احساس خطر کرده بودند.
ب) نادرست ← آن‌ها برای کمک نیامدند.
پ) نادرست ← برزگر از وجود بلدرچین‌ها در کشتزار خبر نداشت او می‌خواست کشتزار را درو کند.
ت) درست
۳. الف) خویشان - ب) برزگر - پ) کشتزار - ت) درو
۴. صاحب - تعجب - فهمید
۵. آشیانه = لانه برزگر = کشاورز خویشان = نزدیکان
۶. خویشان ، صاحب، جمله به عهده‌ی دانش‌آموز می‌باشد.
۷. می‌گذرانم - هستم - دارم - هستم - می‌دهم
۸. به عهده‌ی دانش‌آموز می‌باشد.
۹. هرچه برزگر به انتظار نشست کسی به کمک او نیامد. (فردا باید داس‌ها را تیز کنیم و خودمان کشتزار را درو کنیم).

۱. الف) گزینه «۳»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۲»

ت) گزینه «۴»

ث) گزینه «۱»

خوانش و پردازش

۱. برای احوال‌پرسی
۲. چون او حرف‌هایی زد که به ضرر مرد بیمار بود.
۳. ندانسته سخن نگوییم.



کلمات هم معنی	
اشغال - جایی رو به زور گرفتن	فداکار - از خود گذشته
افتخارآفرین - باعث سربلندی شدن	واقعہ - رویداد
دلیرانہ - شجاعانہ	سرمشق - الگو
هم‌نوعان - هم‌جنسان، افرادی که از یک نوع هستند	طفل - کودک، بچه
جاودانہ - ہمیشگی و ابدی	جلوگیری - پیشگیری
نارنجک - نوعی بمب دستی کوچک	پشروی - به جلو رفتن
اشتیاق - شوق و علاقه	غروب - پایان روز
ریزش - فروریختن	فلوس - نوعی چراغ نفت سوز
مرگ حتمی - مرگ قطعی	هویزه - نام یکی از شهرهای خوزستان
شریف - بزرگواری	

کلمات مخالف	
بزرگ ≠ کوچک	دلیر ≠ ترسو
فداکار ≠ نادل	بسته ≠ باز
باهوش ≠ بی‌هوش	بخاری ≠ کوار
سرانجام ≠ سرآغاز	نجات ≠ اسارت
غروب ≠ طلوع	گرفتار ≠ آزاد
فراوان ≠ اندک، کم	سریع ≠ کند
زندگی ≠ مرگ	موفقیت ≠ شکست
آغاز ≠ پایان	

کلمات هم‌خانواده	

۱. فداکار = از خود گذشته

واقعه = رویداد

شجاعانه = دلیرانه

حتمی = قطعی

۲. الف) نادرست ← ریز علی خواجوی پیراهن خود را آتش زد و جان مسافران را نجات داد.

ب) درست

پ) نادرست ← فداکاری یعنی جان خود را برای نجات جان دیگران به خطر بیندازیم نه هر کاری.

ت) درست

۳. هم‌نوعان - اشغالگران - طفل

۴. رساند - شده است - بست - کرد

۵. محمدحسین فهمیده - حسن امیدزاده - حتی

م ح م د ح س ی ن - ح س ن - ح ت ی

۶. بوسه می‌دادیم و می‌شستیم زود

- ناودان‌ها کاشکی لبریز بود

- با نشاط و پاک و خندان می‌شدیم

- کاش می‌شد، مثل باران می‌شدیم

شاعر شعر: مجید ملّامحمدی

۷. حرکت

شهادت

فانوس

جمله‌سازی به عهده دانش‌آموز است.

۸. دودکش

خط‌کش

میخ‌کش

کش

۹. بر عهده دانش آموز می باشد.

۱. ۱- تانک، ۲- زنان، ۳- مسائل، ۴- باهوش، ۵- انسان، ۶- سهام، ۷- نام، ۸- ایران، ۹- خاک، ۱۰- افتخار، ۱۱- آتش، ۱۲-

دختر، ۱۳- ما، ۱۴- سرد، ۱۵- واقعه، ۱۶- نفت، ۱۷- شریف، ۱۸- میان، ۱۹- آن

«رمز جدول انسان های: افتخار آفرین»

۱۱. به عهده دانش آموز می باشد.

۱۲. الف) گزینه «۴»

ب) گزینه «۴»

پ) گزینه «۲»

ت) گزینه «۲»

ث) گزینه «۳»

خوانش و پردازش

۱. چون ناشنوا بود.

۲. می گفتند: تلاش شما بی فایده است و شما خواهید مرد.

۳. غرق شد.

۴. چون حرف های ناامید کننده ی دیگران را شنیده بود و فکر می کرد آن ها دارند او را تشویق می کنند، پس بیشتر تلاش کرد و

موفق شد.